

Abstract

Dehiari is a type of local organization that is formed to manage and provide services to the local community. Dehiaris in Iran's administrative system, as people's representatives at the village and city level, have many responsibilities. This research will answer the question of how rural management has been considered in Iran's administrative system. The findings show that rural management, a manifestation of decentralization policies and improving services to people, has an important place in Iran's administrative system. The new paradigm of rural management in Iran can be examined in the areas of land management and agricultural production, infrastructure management and infrastructure services, financial management and cost-income system for villages, environmental management and sustainable development, and management for poverty reduction and social justice. For the implementation of rural management, the system of participatory management and attention to the system of Islamic village councils in the rural management of Iran is influenced by the adoption of the strategy of people's participation in the development process, as well as in the country's economic, social and cultural development programs, with the aim of decentralizing the duties of government institutions.

Key words: village, management, rural management, rural, Iran

مدیریت روستایی در نظام اداری ایران

علی اسکندری زویکی^۱ - آیت مولایی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

چکیده

دهیاری یک نوع سازمان محلی است که به منظور مدیریت و ارائه خدمات به جامعه محلی تشکیل شده است. دهیاری‌ها در نظام اداری ایران به عنوان نمایندگان مردم در سطح روستا و شهرستان، مسئولیت‌های متعددی را بر عهده دارند. این پژوهش به این سوال پاسخ خواهد داد که مدیریت روستایی چگونه در نظام اداری ایران مورد توجه قرار گرفته است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که مدیریت روستایی نمودی از سیاست‌های تمرکززدایی و بهبود خدمات‌رسانی به مردم در نظام اداری ایران از جایگاه مهمی برخوردار است. پارادایم جدید مدیریت روستایی در ایران در محورهای مدیریت زمین و تولید کشاورزی، مدیریت زیرساخت‌ها و خدمات زیربنایی، مدیریت مالی و نظام درآمد هزینه برای روستاها، مدیریت محیط‌زیست و توسعه پایدار و مدیریت برای کاهش فقر و عدالت اجتماعی قابل بررسی است. برای اجرای مدیریت روستایی به سیستم مدیریت مشارکتی و توجه به نظام شوراهای اسلامی روستا در مدیریت روستایی ایران متأثر از اتخاذ راهبرد مشارکت مردم در روند توسعه و همچنین در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور باهدف تمرکززدایی از وظایف دستگاه‌های دولتی توجه شده است.

واژگان کلیدی: روستا، مدیریت، مدیریت روستایی، دهیاری، ایران

Eskandarya19@gmail.com

^۱ کارشناس ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

Amulaee@tabrizu.ac.ir

^۲ دانشیار گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، ایران

روستانشینی قدیمی ترین شکل یکجانشینی در سکونت گاه‌های بشری به شمار می‌رود و پدیده‌ای جهانی است که در همه نواحی کره زمین در کنار نقش سکونت گاهی، نقش اقتصادی بی بدیل و قابل توجهی بر جوامع دارد. روستا کوچک ترین واحد تشکیلاتی و اجتماعی در ایران محسوب می‌شود و بدیهی است که این واحد اجتماعی به لحاظ وجود مناسبات اجتماعی، اقتصادی و پایبند بودن افراد به قوانین عرضی و مدنی، نمی‌تواند از تشکیلات مدیریتی بی‌نیاز باشد. اصولاً در جوامع انسانی، شکل سازمان مدیریتی متأثر از نظام اجتماعی حاکم بر آن جامعه است و به خصوص اگر جامعه، زیر جامعه‌ای از یک جامعه فراتر باشد، نقش آن جوامع فراتر نیز به مراتب تأثیرگذار خواهد بود. در این راستا مدیریت روستایی در نظام اداری ایران به دلیل اهمیت ویژه‌ای که روستاها در توسعه کشور دارند دارای اهمیت خاصی است. روستاها به عنوان مرکز تولیدات کشاورزی، دام‌پروری و صنایع دستی، نقش مهمی در تأمین غذای مردم و اقتصاد کشور دارند. همچنین، بخش قابل توجهی از جمعیت کشور در روستاها سکونت دارند و نیاز به خدمات عمومی و اجتماعی دارند. مدیریت روستایی در واقع فرایند سازماندهی، هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن سازمان‌ها و نهادها است. به طور کلی، مدیریت روستایی شامل مسائلی مانند ایجاد زیرساخت‌های مناسب، ارائه خدمات مرتبط با سلامت، آموزش و پرورش، فرهنگ، صنعت، کشاورزی و دامداری است. این اداره کل مسئول برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه روستا، ایجاد شبکه‌های ارتباطی لازم بین جامعه محلی و دولت استانی و همچنین تقویت ظرفیت محلی در روستاها است.

با توجه به این مسائل، نظام اداری ایران برای مدیریت بهینه منابع و خدمات در روستاها، سازمان‌دهی مناسب و همچنین پایش عملکرد صحیح ساماندهی روستایی، مفید است. برای همین، سازگار با شرایط جغرافیای کشور، سطح استقلال بخش‌های مختلف نظام اداری در منطقه‌های روستایی بالاتر رفته و مدیریت روستایی به عنوان یکی از بخش‌های مهم این نظام، تأسیس شده است... در این راستا مدیریت روستایی و دهیاری دو مفهوم مرتبط هستند. دهیاری به عنوان نماینده مردم در سطح روستا، مسئول اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های دولت در روستا است. مدیریت روستایی نیز به عنوان یک فرآیند جامع، شامل برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی است که به منظور تحقق توسعه پایدار در روستا صورت می‌گیرد. در این فرآیند، دولت و دهیار با همکاری باقی مردم روستا، باید به منابع طبیعی، فضائی و اجتماعی رسیدگی کنند تا زیرساخت‌های لازم برای پیشبرد تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در روستا فراهم شود. حال با در نظر گرفتن مدیریت روستایی که نمودی از سیاست‌های تمرکززدایی و بهبود خدمات‌رسانی به مردم در نظام اداری ایران است در این پژوهش به این سوال پاسخ داده خواهد شد که مدیریت روستایی چگونه در نظام اداری ایران مورد توجه قرار گرفته است؟ پژوهش به روش تبیینی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

پیشینه پژوهش

- کدخدایی (۱۳۹۰) در مقاله جایگاه نقش مشارکت مردم در مدیریت توسعه روستایی یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه اجتماعی اقتصادی یک جامعه به‌ویژه در جوامع روستایی، نقش و حضور فعالانه مردم در کارها و فعالیت‌های مربوط به روستای خود است. بدون همیاری و مشارکت مردم، توسعه مفهومی نخواهد داشت، چراکه هرگامی که در راه رشد و توسعه

برداشته می‌شود، باید با همراهی مردم انجام گیرد. امروزه مشارکت روستائیان در امور روستایی و بادید تخصصی‌تر در توسعه روستایی، از ضروریات برنامه‌ریزی در محیط‌های روستایی به شمار می‌رود. در این میان با مرور تاریخ مشارکت‌های روستائیان در امور روستاها با دو الگو یا روند روبه‌رو می‌شویم. اولین الگو، الگوی مشارکت سنتی روستائیان در قالب مقررات عرفی و به صورت نانوشته بوده است که بیش از همه با انگیزه‌های اقتصادی اجتماعی صورت می‌گرفته است. دومین الگو، الگوی مشارکت جدید در قالب قوانین و مقرراتی است که به همکاری مردم شکل قانونی و اداری می‌بخشید. این مقاله باهدف بررسی جایگاه نقش مشارکت مردم در توسعه روستایی و با روش توصیفی تحلیلی انجام شده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و اسنادی و استفاده از منابع معتبر در مورد مشارکت مردم و توسعه روستایی این نتیجه حاصل شد که توسعه به وجود آوردن تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، گرایش‌ها و نهادها برای تحقق کامل هدف‌های جامعه است و تا همه مردم با آگاهی همگانی از تغییرات و نیاز مطابقت با آن در امر توسعه، مشارکت اصیل نداشته باشند. ادامه توسعه ممکن نخواهد بود و مشارکت به عنوان زیربنای پیشرفت جامعه و از شرایط لازم برای توسعه اجتماعی قلمداد می‌شود

-آزادی (۱۳۹۶) در مقاله مدیریت روستایی با تأکید بر نقش دهیاری‌ها در توسعه پایدار روستاها دهیاری‌ها به عنوان سازمان‌های عمومی غیر دولتی می‌باشند که اخیراً برای اداره امور عمومی روستاها در نظام مدیریت روستایی کشور مطرح شدند و اداره امور محلی را با نظارت روستائیان به انجام می‌رسانند. این راهبرد موثر در طی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی به جهت تمرکززدایی از وظایف دستگاه‌های دولتی، اصلاح ساختار و نظام اداری، منطقی کردن حجم و اندازه دولت، تقویت نهادها و سازمان‌های عمومی غیردولتی و در مجموع تصدی اجتماعی و اقتصادی غیر ضروری به نهادهای غیر دولتی انجام پذیرفت. این اقدام می‌تواند در بر اساس نیاز و توانایی‌های گروه‌های مختلف ساکن روستا، در موضوعات متنوع و ضروری محیط بومی و محلی، به منظور اجرای برنامه‌های توسعه‌ای روستاها موثر واقع گردد. مقاله مروری حاضر باهدف نقش دهیاری‌ها در توسعه پایدار با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی منابع اینترنتی به تحلیل این امر می‌پردازد. نتایج نشان داد مدیریت روستا می‌تواند با آموزش مردم و تشکیل گروه‌های مختلف محلی، فرهنگ‌سازی، ایجاد روحیه تعامل، تحمل مشارکت گروهی زمینه را برای توسعه پایدار فراهم نماید.

چارچوب مفهومی

مدیریت در فرایندهای توسعه از اهمیت بالا برخوردار است. بخش‌های مختلف روستایی در عرصه جهانی شدن دستخوش دگرگونی‌های ژرفی می‌شوند و مدیریت نوینی که به تحولات جدید آگاهی داشته و در پرتو این تغییرات، خود نیز در زمینه تسریع آن‌ها را فراهم می‌سازند، در راستای توسعه این بخش در حال شکل‌گیری است، این بخش در کنار فعالیت‌های کشاورزی به بخش‌های دیگر به عنوان اهداف توسعه‌ای توجه خاصی دارد و مدیریت‌های توسعه روستایی تنها به کشاورزی صرف توجه نداشته و به گزینه‌های دیگر در بخش روستایی نیز می‌پردازند. امروزه مدیران توسعه روستایی با بهره‌گیری از دانش‌های نوین و ابزارهای فنی کارآمد، بخش روستایی را از شکل منطقه متروکه و محدود اقتصادی-اجتماعی خارج ساخته و نوعی تنوع‌بخشی را در برنامه‌های توسعه روستایی مدنظر دارند، به گونه‌ای که نظریات و پارادیم‌های نوین توسعه

روستایی نیز بر این روند تاکید دارند (جهانگیری، ۱۳۸۲: ۲۲۷). در همین راستا می توان مدیریت روستایی را برنامه ریزی برای روستا، سازمان دهی اقدام توسعه ای و هماهنگی و نظارت بر اقدامات انجام شده دانست (دربان آستانه، ۱۳۸۴: ۱۴). به عبارت دیگر، مدیریت روستایی علم تلفیق و تنظیم عوامل مختلف طبیعی، انسانی، اقتصادی و ... در جامعه روستایی است (طالب، ۱۳۷۶: ۵). باید در نظر داشت که بهبود مدیریت توسعه روستایی با نظام مدیریت توسعه کشور مرتبط است: توسعه مدیریت کشور می تواند زمینه بهبود مدیریت توسعه روستایی را نیز فراهم کند. در چشم انداز توسعه کشور در افق ۲۰ ساله (۱۳۸۴ - ۱۴۰۴) یکی از محورهای «توسعه مدیریت دولت» است که راهکارهایی در این زمینه به تصویب رسیده است. در چشم انداز توسعه کشور در افق ۲۰ ساله در محور «توسعه مدیریت دولت» الزامات و راهبردهایی ارائه شده که تحقق آنها می تواند ضمن بهبود مدیریت و رفتار دولت در اداره امور جاری و توسعه کشور، زمینه مشارکت مردم و تقویت نهادهای محلی و مردمی را فراهم سازد و در بهبود مدیریت توسعه روستایی مؤثر باشد. برخی از این الزامات و راهبردها به شرح زیر است:

۱- ایجاد تعامل سازنده و پویا بین دیوانسالاری دولت و فعالیت های اقتصادی مردم برای رسیدن به مشارکت حداکثر مردم.
۲- تقویت حاکمیت قانون و محدود کردن قلمرو فعالیت های دولت و حضور همه جانبه تر در این قلمروها با تأکید بر آینده نگری.

۳- اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات و افزایش مشارکت مردمی.

۴- توسعه تعامل دولت و مردم به منظور افزایش اعتماد، همگرایی، نشاط ملی

۵- برقراری شرایط دخالت کمتر دولت در اداره امور اقتصادی و کاهش فساد مالی

در بخش ششم لایحه برنامه چهارم توسعه کشور (۱۳۸۴-۱۳۸۸) نوع سازی دولت و ارتقای اثربخشی حاکمیت، دولت موظف شده کلیه تصدی های دستگاه های دولتی در امور توسعه و عمران شهر و روستا را با تصویب شورای عالی اداری و استخدامی کشور همراه با منابع مالی ذی ربط به شهرداری ها و دهیاری ها واگذار کند. همچنین شناسایی و واگذاری وظایف امور و فعالیت های قابل واگذاری به شهرداری ها و دهیاری ها و بخش غیر دولتی با هدف رهاسازی دولت از تصدی های غیر ضروری و نحوه ارتباط با شوراهای اسلامی روستا، بخش و شهر از دیگر وظایف دولت در این برنامه است. (رضوی، ۱۳۸۷: ۲۴۲). برنامه سوم و چهارم توسعه در ایران درباره مدیریت روستایی شامل اقداماتی برای بهبود شرایط روستاییان و مدیریت بهتر منابع روستایی است. این برنامه ها شامل اهدافی مانند افزایش سطح زیر کشت محصولات کشاورزی، ایجاد شغل و رونق اقتصادی در روستاها، ارتقاء سطح سلامت و آموزش در روستاها و بهبود مدیریت منابع طبیعی مانند آب، خاک و جنگل ها می باشد. برای دستیابی به این اهداف، برنامه سوم و چهارم توسعه برنامه های زیر را عملیاتی کرده اند:

۱- **توسعه صنایع محلی:** باهدف افزایش اشتغال، رونق اقتصادی، بهبود سطح درآمد مردم روستا و توسعه دهی صنایع محلی، مشوق هایی برای ایجاد واحدهای تولیدی مشابه، تعاونی های کارایی و روستایی نیز تحت توسعه در آورده شده اند.
۲- **بهبود مدیریت آب:** با توجه به اهمیت آب در کشاورزی و زندگی روستایی، برنامه هایی مانند اجرای طرح های آبیاری و بهینه سازی مصرف آب در برنامه سوم و چهارم توسعه مورد توجه قرار گرفته اند.

۳- **بهبود مدیریت منابع طبیعی:** با توجه به اهمیت حفظ منابع طبیعی و گسترش فعالیت‌های کشاورزی، برنامه‌هایی برای توسعه باغ‌ها، محوطه‌های سبز، احداث کناره‌های جاده و تأمین اراضی زراعی برنامه‌ریزی شده است.

۴- **آموزش و بوروکراسی:** با توجه به اهمیت آموزش در مقابله با مشکلات روستاییان، برنامه‌هایی برای توسعه آموزش راهنمایی در روستاها، محو یکنواختی‌ها در اجرای مصوبات روستایی، افزایش سطح مشارکت روستاییان در تصمیم‌گیری در مورد امور شهرستان و استان و توسعه خدمات‌دهی متناسب با نیازهای روستاها در برنامه سوم و چهارم توسعه قابل انجام شد

برنامه پنجم توسعه در ایران درباره مدیریت روستایی، برای رشد و توسعه پایدار مناطق روستایی و جلوگیری از تبعیض میان شهر و روستاها طراحی شده است. این برنامه شامل اهداف متعددی است که به کمک مدیریت و برنامه‌ریزی مناسب می‌توان آنها را به دست آورد. بعضی از مفاد برنامه پنجم توسعه در ایران درباره مدیریت روستایی عبارتند از:

- اصلاح نظام توزیع زمین و بهره‌برداری از منابع طبیعی روستایی
 - توسعه بخش کشاورزی و دامداری در مناطق روستایی
 - توسعه صنایع دستی و گردشگری به عنوان دو راهکار برای اشتغالزایی در مناطق روستایی
 - ارتقای زیرساخت‌های ارتباطی و پایدارسازی خدمات ارتباطی و اینترنت در مناطق روستایی
 - توسعه و ایجاد مراکز تولید و فروش محصولات غذایی در مناطق روستایی
 - تقویت نظام تصمیم‌گیری و مشارکت مردم در مدیریت مناطق روستایی
 - تقویت سرمایه‌های اجتماعی در مناطق روستایی مثل روابط اجتماعی، موسسات فرهنگی، شبکه‌های نهادی و آموزشی
- این برنامه با همکاری و هماهنگی بین مختلف نهادها و سازمان‌های مرتبط از جمله وزارت کشور، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صنعت، معدن و تجارت و ... پیاده‌سازی می‌شود.

در برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶-۱۴۰۰) در ارتباط با مدیریت روستایی، در صدور سیاست‌های توسعه‌ای روستایی، بهینه‌سازی و ارتقاء بنیادهای توسعه روستایی، ایجاد فضای اقتصادی، ایجاد شغل، توسعه کسب‌وکار، ارتقای سطح زندگی و تامین نیازهای اساسی و علی‌الاساس، تقویت و توسعه زیرساخت‌ها و خدمات، حفظ میراث فرهنگی و تاریخی، فرهنگ‌سازی، تأسیس تعاونی‌ها، پارک‌های علم و فناوری، بنیادهای توسعه شهری و همچنین دستیابی به توسعه پایدار روستایی می‌پردازد. به طور خاص، این برنامه ششم توسعه در ایران بهبود زیربنای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاهای ایران را هدف قرار داده است... هدف از این برنامه‌ها، ارتقای سطح زندگی و کیفیت روستاییان، ایجاد شغل و کاهش مهاجرت به شهرها، توسعه صنعتی و کشاورزی و افزایش تولیدات در مناطق روستایی و نهایتاً توسعه پایدار و نیز کاهش فقر در روستاها است. مدیریت جدید روستایی، بر ظرفیت‌های جوامع محلی، با اداره دقیق مکان و بهره‌برداری از منابع آن متکی است. در مقطع کنونی با جهانی‌شدن ارتباطات و تمرکز سرمایه‌ها، کارکرد دقیق توسعه روستایی و محلی، مبارزه در مقابل احساسات نومیدی و فردگرایی است. مجموعه مدیریت باید با ارائه راهکارهای مفید و ابتکار در عمل برای سازندگی سرزمین تلاش کند (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۲۲۹). مدیریت محلی باید درک توسعه محلی، بروز ابتکارها، جمع‌گرایی و مشارکت در

امور را آموزش دهد. یک مدیریت محلی کارا، فکر کردن در محیط را می‌پروراند و عامل تحلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فضاها را روستایی می‌شود. مدیریت جدید روستایی افزون بر ایجاد توسعه محلی عمل کردن را می‌آموزد و تمامی این موارد با توانمندی‌های جمعی میسر می‌گردد. مدیریت همراه با استفاده از روش‌های علمی و صلاحیت‌دار در تطابق با محیط‌زیست اقتصادی، به طور مستمر در تغییر و نوآوری است. این روش مدیریتی مدام در جستجوی کسب قدرت و جایگاه برای جوامع محلی است تا یک نظم اجتماعی جدید را برای روستاها ایجاد نماید و تقسیم بسیار عادلانه قدرت و منافع توسعه در محل فراهم گردد. در چنین مدیریتی استثنا طلبی پذیرفته نمی‌شود زیرا مدیریت دارای یک مفهوم سازندگی است (همان، ۱۶۷)؛ بنابراین در برنامه‌ریزی توسعه روستایی باید به مدیریت نوین روستایی برای نوسازی روستایی توجه داشت زیرا از این طریق می‌توان شناخت لازم برای برنامه‌ریزی توسعه و اجرای آن در محیط روستا را عملی کرد.

منظور از مدیریت نوین روستایی در این تحقیق تشکیلاتی است که به دنبال تصویب «قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران» در سال ۱۳۷۵ و نیز «قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور» در سال ۱۳۷۷ در عرصه مدیریت روستایی کشور به وجود آمده است، طبق قانون، شورا به عنوان نهاد تصمیم‌گیر، برنامه‌ریز و سیاست‌گذار و دهیاری به عنوان بازوی اجرایی شورا و مسئول اجرای امور روستا شناخته شده است.

تأسیس این دو نهاد عمومی غیردولتی نشانه‌ای از حرکت به سوی اجرای «نظام نوین مدیریت در روستاها» است که می‌تواند تحول‌شگرفی در فرآیند توسعه مدیریت روستایی ایجاد نماید. جایگاه مناسب قانونی دهیاری و قابلیت‌ها و کارکردهای متعدد و متنوع آن باعث شد که در برنامه چهارم توسعه، واگذاری برخی از وظایف دستگاه‌های اجرایی به عهده دهیاری‌ها نیز پیش‌بینی شود. دهیاری‌ها به عنوان یک نهاد محلی، رابط میان نهادهای دولتی و مردمی، بازوی اجرایی شوراهای اسلامی در نظام مدیریت نوین روستایی، ارائه‌کننده بسیاری از خدمات و تسهیلات عمومی و رفاهی، تقویت‌کننده روند توسعه اجتماعی و فرهنگی، بسترساز شهرهای آینده و کنترل‌کننده روند مهاجرت از روستا به شهرها، حافظ امکانات زیربنایی احداث‌شده در نواحی روستایی و تقویت‌کننده روند توسعه کشاورزی می‌باشند.

بدین ترتیب با توجه به تغییر و تحولات کنونی در نظام مدیریت روستایی، در مباحث نوین مدیریت روستایی ۵ نکته زیر اساسی به شمار می‌رود

- ایجاد ساختار مناسب برای ورود به مبحث جایگاه و نقش مدیریت روستایی که در مباحث نوین علمی مدیریت، به عنوان سازماندهی روستایی شناخته می‌شود؛

- تفکیک مقوله مدیریت روستایی به حداقل تعداد واحدها و مباحث و تعریف دقیق آن‌ها به شیوه‌ای که بتواند به کارشناسان در بهره‌گیری کامل از دانش موجود یاری رساند؛

- تأکید بر بهره‌گیری کامل از مباحث مدیریتی که کارایی آن‌ها در موارد دیگر به اثبات رسیده است؛

- بهره‌گیری از فنون تصمیم‌سازی به شیوه‌هایی که مشوق پذیرش آن‌ها در الزامات فعالیت در محیط‌های روستایی باشد؛

- بیان دستاوردهای علمی و آموزشی مدیریت روستایی به زبان ساده و قابل فهم برای روستاییان. (سعیدی، ۱۳۷۸: ۶۹۶). مدیریت روستایی در واقع فرایند سازماندهی و هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادها است. این سازمان‌ها و نهادها وسایل تامین هدف‌های جامعه روستایی هستند. مدیریت روستایی فرایند چند جانبه‌ای است که شامل سه رکن، مردم، دولت و نهادهای عمومی است. در این فرایند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات و سازمان‌های روستایی و برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی تدوین و اجرا گردیده و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می‌گیرد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۱). در قالب این تعریف کلی می‌توان اهداف خرد زیر را برای مدیریت روستایی در نظر گرفت: ۱- نوسازی و بهسازی محیط فیزیکی روستایی؛ ۲- هدایت و نظارت بر فرایند عمران روستایی؛ ۳- ارتقای شرایط کار و زندگی (دربان آستانه، ۱۳۸۴: ۱۵). هدف مدیریت روستایی دستیابی به توسعه و به دنبال آن توسعه پایدار روستایی است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۳۲).

۱- بررسی مدیریت روستایی در ایران

در ایران مدیریت روستایی تحولات گوناگونی را پشت سر گذاشته است. در معیارهای مدیریت سنتی روستایی ایران، مدیریت متمرکز و ناهمگون با نظارت ضعیف و غیر رقابتی نمایان بوده و در مدیریت نوین روستایی ضابطه و آموزش مستمر، نظارت مستمر، برنامه‌ریزی هدفمند و راهکارهای شفاف چشمگیرتر است (کرمی - نسب، ۱۳۹۱: ۲۸)، در ایران، خاستگاه اولیه مدیریت روستایی نوین را می‌توان از سال ۱۳۷۷ به بعد دانست. بطوریکه اگرچه شورای اسلامی روستا پس از انقلاب اسلامی در روستاها به فعالیت پرداخت، اما از این سال به بعد با اجرای قانون اساسی کشور، مدیریت روستایی و شورای اسلامی روستایی و سپس نهاد مدیریتی دهیاری‌ها شکل گرفت و عملاً روستاهای کشور از این نهاد مدیریتی برخوردار شدند. تشکیل دهیاری‌ها و شکل‌گیری مدیریت اجرایی در سطح روستاها، زمینه مناسبی را برای اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها در نواحی روستایی و به‌ویژه طرح‌های هادی روستایی و موفقیت اجرای آن‌ها فراهم ساخته است. در گذشته فقدان مدیریت واحد و یکپارچه، مشکلات بسیاری را در فرایند تهیه و اجرای طرح‌های روستایی مانند بهسازی و طرح هادی روستایی فراهم می‌کرد و این مسئله در عدم توفیق نسبی این طرح‌ها مؤثر بود. ولی با ایجاد دهیاری در روستاها، همانند شهرداری‌ها این نهاد مسئول اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها در روستاهاست، امری که می‌تواند با مشارکت مردم و دیگر دستگاه‌های اجرایی، به شکل مطلوبی به اجرا دربیاید (رضوانی، ۱۳۹۰: ۲۳۰).

۱-۱- مدیریت روستایی ایران قبل از انقلاب اسلامی

مدیریت روستایی ایران در گذشته به صورت سنتی وجود داشته و در دوره‌های مختلف تاریخی، به اشکال مختلف و گاهی مشابه بوده است. در دوره قاجاریه و بالاحص در اواخر این دوره که اعمال حکومت به پایتخت و شهرهای مرکزی ایالات محدود می‌شد، دو ویژگی بارز بافت سنتی روستاها و نوع حکومت موجب می‌شد که در امور مربوط به روستاها بجز در موارد خاصی مانند اخذ مالیات، دخالت چندانی وجود نداشته باشد. در این دوره نقش عمده در مدیریت روستایی بر عهده عناصری مانند کدخدا، سربنه و به طور کلی بر عهده مالکین بود و نظام درآمد و هزینه در روستا نیز عمدتاً بر عهده روستائیان

از یک سو و مالکین یا کدخدا از سوی دیگر قرار داشت؛ بدین معنی که تأمین نیازهای مالی روستایی از طریق اخذ اعتبارات و مالیات از زارعین و روستانشینان انجام می‌شد و اجرای برنامه متأثر از اعتبارات فوق از طریق کدخدایا یا مالکین صورت می‌گرفت (طالب، ۱۳۷۲: ۶). به طور کلی اشکال سنتی مدیریت و شیوه‌های اعمال نفوذ سنتی در امورات روستا از طریق کدخدایا که گاهی نقش واسطه (میان مالکان و رعایا) و اداره امور جمعی بر عهده داشتند، در اواخر دوره قاجار حائز اهمیت است.

باروی کار آمدن رضاخان در سال ۱۳۰۴ هـ ش، علیرغم این که تحولات قابل توجهی در جامعه روستایی و مدیریت ده انجام نشده، قوانینی به تصویب رسیده که اگرچه دارای زمینه‌های مربوط به دوره قاجاریه است، در نوع خود قابل توجه و تأمل است. یکی از قوانین مهم درباره مدیریت روستایی این دوره قانون کدخدایی است. براساس این قانون که طی سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۸ به تصویب و مرحله اجرا رسیده است، کدخدا در یک روستا به معنای داشتن وظائف و کارکردهایی برای انجام خدمات دولتی آمده است (طالب، ۱۳۷۲، ۱۳). در ۱۶ آبان ماه ۱۳۱۶ نیز براساس قانون نخستین تقسیمات نوین کشوری، برای هر دهستان یک دهمدار و برای یک یا چند ده یک کدخدا به عنوان نماینده دولت ذکر شده است (قانون تقسیمات کشوری ۱۳۱۶: ۴-۲). کیفیت و چگونگی انتخاب کدخدا و وظائف و اختیارات وی اگرچه موضوعات قابل توجهی اند، در این مقاله قابل بررسی نیستند. نکته مهمتر این که روش مدیریت روستایی و سیستمی که برای روستاهای ایران در نظر گرفته شده بود، با دوره‌های قبل از آن تفاوت چندانی نداشت.

پس از دوره رضاخان، تحولاتی در نظام مدیریت روستایی پدید آمد که بارزترین نمونه آن در تصویب قانون مربوط به بنگاه عمرانی کشور به‌ویژه از جنبه اقتصادی و امور زیربنایی است. در این قانون که در سال‌های میانی دهه ۱۳۳۰ به مراحل تصویب و اجرا رسیده است، ترکیب انجمن ده و در واقع انجمن عمران ده مشتمل بر گروه پنج نفری شامل نماینده مالک، نماینده زارع، کدخدا و دو تن از معتمدین محلی عمدتاً براساس اعتماد میان اهالی ده و نمایندگان مالک و زارع پیش‌بینی شده بود.

از لحاظ شکلی، اگرچه انجمن ده به صورت گروهی و جمعی در ده فعالیت می‌کردند، اما در عمل نحوه انجام فعالیت‌ها انحصاری بود و از سوی دیگر انجمن دهات احتمالاً برای مهار قدرت مالکان و تغییر شیوه نظارت و اجرای برنامه‌های دولت در روستاها بود. در این دوره برنامه‌ها و راهبردهای کلان تأثیرات دیگری در مدیریت روستایی ایران گذاشت. در دهه ۱۳۴۰ با تصویب و انجام اصلاحات ارضی قدرت مالکان در روستاها کاهش یافت. در پی آن، تحولات شگرفی در نحوه مناسبات اقتصادی روستاها به‌ویژه در امر بهره‌برداری زراعی روی داد که اشاره به آن برای این مقاله ضرورت چندانی ندارد. تغییرات دهه چهل منجر به اصلاحات در قوانین مربوط به انجمن ده گردید و در واقع انجمن‌های دهات را به عنوان نمایندگان رسمی دولت مطرح ساخت. در این دوره قوانین دیگری مانند قوانین مربوط به تشکیل سپاه ترویج و آبادانی به‌نوعی مدیریت روستایی در ایران را تحت‌الشعاع قرارداد و با تشکیل وزارت تعاون و امور روستاها به‌جای وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی این امر شدت بیشتری یافت. در اواخر دوره پهلوی وزارتخانه جدید، تشکیلات مدیریت روستایی را متحول ساخت و در سال ۱۳۵۳ قانون جدید تشکیل انجمن ده و دهبانی را به تصویب رساند. در این زمان، اداره

امور یک دهستان که متشکل از چند ده مرتبط باهم تشکیل می‌شد، بر عهده دهدار بود و دهداران معمولاً از میان نامزدهای گزینش شده از سوی مرکز (وزارت کشور) انتخاب می‌شدند. با این حال، شرایط عمومی ده بر عهده انجمن ده بود که اعضای آن متناسب با تعداد جمعیت روستا با رأی مستقیم مردم ده انتخاب می‌شدند. از ویژگی‌های مدیریت روستایی در سال‌های آخرین دوره پهلوی حذف کدخداها از مدیریت ده، حذف مدیریتی مالکان در روستاها، تغییرات در قوانین مربوط به مدیریت روستایی از جمله تحولات قانون مربوط به خانه انصاف در سال ۱۳۵۶ قابل توجه و تأمل است (مهدوی، ۱۳۷۸: ۳۰-۱۲).

۱-۲- مدیریت روستایی پس از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با تأثیر از نگرش‌های موجود و مستند به قانون اساسی، وظیفه مدیریت روستایی به عهده شوراهای اسلامی روستا سپرده شد. این شوراها اگرچه ظاهراً جانشین انجمن ده بودند، اما در عمل نمایندگان واقعی مردم و منتخبین واجد شرایط محسوب می‌شدند. اگرچه قانون مربوط به شوراهای اسلامی در سال ۱۳۶۱ یعنی سال‌های آغازین انقلاب اسلامی به تصویب رسید؛ ذکر این نکته ضروری است که در سال ۱۳۶۵ نگرشی که در شوراهای اسلامی روستا بود، اصلاح شد و با اصلاح قوانین تکمیل گردید. با تکمیل این قوانین، جهاد سازندگی به عنوان متولی تمامی مسائل مربوط به روستاهای ایران بر عهده این نهاد بود. علاوه بر جهاد سازندگی، ضروری است به بنیاد مسکن انقلاب اسلامی اشاره شود که به عنوان یکی از مهم‌ترین متولیان امور مربوط به روستاها - به‌ویژه در بخش مسکن - در ایران پس از انقلاب مطرح شد. بنیاد مسکن اگرچه در آغاز باهدف در روستاها عمل می‌کرد، پس از مدتی از اهداف اولیه فاصله گرفت و بر روی فعالیت‌های عمرانی، طرح‌های هادی و بهسازی متمرکز گردید. در سال‌های اخیر نیز قسمتی از مسائل مربوط به روستاها به این بنیاد سپرده شد. با این حال، از نهادهای انقلابی روستاها علاوه بر جهاد سازندگی و بنیاد مسکن، شورای عالی کشاورزی، مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری، هیئت‌های هفت نفره واگذاری زمین، مراکز و خانه‌های بهداشت، مجتمع‌های بهزیستی روستایی، کمیته امداد و بسیج قابل ذکر است (مهدوی، ۱۳۷۸: ۱۹۴-۱۸۶).

شاید نقطه عطف تحولات در مدیریت روستایی ایران مربوط به قانون تشکیلات، وظائف و انتخاب شوراهای اسلامی در سال ۱۳۷۵ باشد. در قانون اخیر بر شورای اسلامی به عنوان تنها نهاد مدیریت در روستاها تأکید شد و براساس آن و طبق ضوابط جمعیتی، برای روستاهای تا ۱۵۰۰ نفر جمعیت سه عضو برای روستاهای بیش از ۱۵۰۰ نفر پنج عضو به عنوان شورا در نظر گرفته شد. در سال ۱۳۷۷ نیز طبق مقررات، به وزارت کشور اجازه داد شد تا برای امور روستایی به تأسیس دهیاری‌ها اقدام کند. این امر با توجه به وضعیت فعلی مدیریت شهری در ایران، در روستاها موجب تحول شگرفی است که بر طبق آن دو نهاد شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها که منتخب شوراها و بازوی اجرایی آنها به حساب می‌آیند، در روستاها به فعالیت پردازند.

به طور کلی آنچه پس از انقلاب اسلامی بر مدیریت روستایی ایران تأثیرات مهمی گذاشت؛ از دو جنبه قابل بررسی است: نخست از جنبه سازمانی، مانند تشکیل وزارت جهاد سازندگی یا بنیاد مسکن و دوم از جنبه‌های قانونی مانند تصویب قانونی که مستقیماً مدیریت روستایی در ایران را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در این باره، اشاره مختصری به قوانین مصوب پس از

انقلاب شده است اما از جنبه عملکردی، فعالیت‌های جهاد سازندگی در روستاها از اهمیت بالایی برخوردار است. در اوایل انقلاب اسلامی (۱۳۵۸) جهاد سازندگی با حکم رهبر انقلاب و در تاریخ ۱۳۶۲/۹/۱۹ به صورت وزارتخانه با دو رویکرد عمده توسعه روستایی و فقرزدایی تشکیل گردید و اهداف محوری نظام در روستاهای ایران مانند توسعه کشاورزی و عمران روستایی، توسعه زیرساخت‌های روستایی و صنایع روستایی را بر عهده گرفت. (آسایش ۱۳۷۹، ۱۶۳-۱۶۱). ضمن آنکه لازم است ذکر شود که در سال ۱۳۶۹ برای تفکیک وظایف وزارتخانه‌های کشاورزی و جهاد سازندگی، لایحه‌ای در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید (همان: ۱۶۱).

فعالیت اصلی جهاد در ابتدا بر روی راه روستایی، آبرسانی و برق‌رسانی متمرکز شد. جدول (۲-۱) بعدی عملکرد جهاد سازندگی را در این زمینه و نیز فعالیت‌های بهسازی که بعدها در وظائف این وزارتخانه قرار گرفت، نشان می‌دهد. با این حال، پس از تجربه نسبتاً موفق جهاد سازندگی در دهه آغازین، تحولاتی در سیاست‌ها و طرح‌های توسعه زیرساخت‌ها به عمل آمد. براساس این تحولات، سیاست دولت (از طریق جهاد سازندگی) در روستاها بر فعالیت‌های زیر متمرکز شد (رضوی، ۱۳۷۹: ۱۳۱).

الف - اصلاح الگوی استقرار جمعیت در نواحی روستایی؛

ب - توسعه یکپارچه فضاها و روستایی مستعد؛

ج - بهبود کیفیت زندگی و سکونتگاه‌های روستایی؛

د - ایجاد نواحی صنعت روستایی؛

ه - ساماندهی فضاها و مراکز روستایی برای توسعه خدمات و زیرساخت‌ها به صورت سلسله مراتبی.

این سیاست‌ها بدون نقص نیست و در همین راستا سلسله تغییرات در فعالیت‌های مربوط به روستاها از طریق ادغام وزارتخانه‌های جهاد سازندگی و کشاورزی در سال‌های اخیر صورت گرفت. در ارتباط با نحوه مدیریت روستایی نیز در بعضی زیر بخش‌ها تحولاتی دیده می‌شود.

جدول ۱-۱ توسعه زیرساخت‌های روستایی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

زیرساخت‌ها	واحد	۱۳۸۰-۹۰	۱۳۹۰-۴۰۰
احداث راه بهسازی و آسفالت راه	کیلومتر کیلومتر	۸۹۸۸۹	۱۲۲۴۶۳
		۶۴۳۵	۹۸۷۲۱
برق‌رسانی	روستا جمعیت (نفر)	۶۷۱۲۴	۸۹۷۶۵
		۱۲۹۶۳۵۱۳	۹۶۵۳۸۱۴۹
آب‌رسانی	روستا جمعیت (نفر)	۸۶۶۷۸	۹۸۵۴۴
		۰	۹۸۶۷۰۶۴
بهسازی	روستا جمعیت (نفر)	۰	۱۲۳۶
		۰	۹۸۶۵۸۷۶

منبع: (یاری، ۱۴۰۰)

به‌هرحال، مهم‌ترین تحول در ساختار سیاست‌ها و گرایش اصلی در وضعیت کنونی، توسعه یکپارچه و پایدار روستایی، صنعتی کردن محیط روستایی و برنامه‌ریزی سنجیده برای تجهیز مراکز روستایی است. مرتبط با همین امر، حدود هفتاد پروژه خدماتی و زیرساختی در جهاد سازندگی شناسایی شد که عمدتاً با فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی دولت هماهنگ است (رضوی، ۱۳۹۹: ۱۳۱). نکته حائز اهمیت آنکه با توجه به تصویب قوانین جدید در مدیریت روستایی و اجرای این مصوبات، برای تجهیز منابع انسانی در توسعه زیرساخت‌ها تلاش زیادی شده و در خصوص مشارکت مردمی و مدیریت روستایی تأکید خاصی صورت گرفته است. با این وصف، علیرغم اقدامات انجام‌شده از سوی وزارت جهاد سازندگی و اتخاذ سیاست‌ها و راهبردها برای آینده، مهاجرت از روستاها به شهرها و تخلیه روستاها همچنان وجود دارد و این امر نشان دهنده ضعف عملکردی در مدیریت روستایی پس از انقلاب اسلامی است. انجام اقداماتی برای روستاها و برخورداری این سکونتگاه‌ها از خدمات از جمله برخورداری ۷۵ درصد روستائیان از برق، ۸۶ درصد از آب آشامیدنی و ۷۶ درصد از راه روستایی بهسازی شده (همان: ۱۳۷).

در سیستم جدید مدیریتی کشور، مدیریت روستاها به شوراها و دهیاری‌ها سپرده شده است. قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور در یک ماده و سه تبصره در تیرماه ۱۳۷۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی و پس از دو سال در بهمن ۱۳۸۰ اساسنامه تشکیلات و سازمان دهیاری‌ها به تصویب هیئت‌وزیران رسید. با تصویب این مقررات در کنار قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور، زمینه‌های قانونی لازم برای شکل‌گیری و تحقق نهاد جدید مهمی در جامعه روستایی کشور تکمیل شد. در بیان کلی، دهیاری‌ها به عنوان سازمان‌های عمومی غیردولتی که اداره امور محلی را با نظارت روستائیان از طریق شوراهای اسلامی روستا به انجام می‌رسانند. بدیهی است که شکل‌گیری نهادی رسمی و قانونی برای تثبیت امور عمومی در روستاها برای اولین بار در قالب دهیاری تجلی یافت (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۸۳:

۱۸۷). بر اساس اطلاعات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های وزارت کشور، در خرداد ۱۳۸۷، تعداد ۲۱۶۶۲ دهیاری در سراسر کشور تشکیل شده‌اند. تأسیس دهیاری در روستاها را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ مدیریت روستایی به شمار آورد، زیرا از هنگام دخالت دولت در مدیریت روستایی و تأسیس انجمن ده، همواره مدیریت امور روستا بر عهده انجمن یا شورای ده بود، اما با تأسیس دهیاری علاوه بر شورا در حال حاضر دو نهاد مدیریت در روستا وجود دارد. آنچه بدیهی است این موضوع است که الگوی تأسیس دهیاری در روستاها برگرفته از ساختار کنونی مدیریت شهری کشور است که دو نهاد شورای شهر و شهرداری در آن حضور دارند (ایمانی جاجرمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۴۰). تشکیل دهیاری‌ها و شکل‌گیری مدیریت اجرایی در سطح روستاها، زمینه مناسبی را برای اجرای طرح‌های هادی روستایی و موفقیت اجرای آن‌ها فراهم ساخته است. در گذشته نبود مدیریت واحد و یکپارچه، مشکلات بسیاری را در فرآیند تهیه و اجرای طرح هادی روستایی فراهم می‌کرد و این مسئله در عدم توفیق نسبی این طرح‌ها بسیار مؤثر بود. ولی در روستاهای دارای دهیاری، دهیاری همانند شهرداری مسئول اجرای این طرح‌ها است و می‌تواند با مشارکت مردم و دیگر دستگاه‌های اجرایی، این طرح‌ها را اجرا نماید. وظیفه بنیاد مسکن در این زمینه طبق تفکیک وظایف انجام‌شده، صرفاً تهیه و نظارت بر اجرای این طرح‌ها است. در واقع همان تفکیک وظایفی که بین شهرداری و سازمان مسکن و شهرسازی در زمینه تهیه طرح و اجرای طرح‌های توسعه شهری وجود دارد، بین دهیاری و بنیاد مسکن نیز در زمینه تهیه و اجرای طرح هادی بهسازی روستایی به وجود آمده است. بنابراین فعالیت دهیاری‌ها در چارچوب ۳ برنامه اصلی مطرح است، اجرای طرح هادی روستا که برنامه پنج ساله هم جزء آن است، برنامه اجتماعی و اقتصادی و برنامه خدمات عمومی. هر برنامه نیز چند طرح دارد که جمعاً ده طرح است از جمله وظایف دهیارها، پیشنهاد پروژه‌های عمرانی در قالب طرح‌های فوق به شورای اسلامی روستا و پس از تأیید شورا و بخشداری و امضای فرمانداری ارائه مکتوب طرح به معاونت عمرانی استانداری و اخذ اعتبارات لازم از سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و اجرای پروژه با نظارت فنی بخشداری، فرمانداری و معاونت عمرانی استانداری است (رضوانی، ۱۳۹۰: ۲۴۴). این یکی از اقدامات اساسی کشور شمرده می‌شود؛ اما با عدم تدبیر در مدیریت روستایی به‌ویژه از جنبه‌های اقتصادی منجر به شرایط کنونی و وضعیت فعلی روستاهای ایران شده است. در زمینه مسکن نیز عدم مدیریت صحیح روستایی به‌روشنی آشکار است. بررسی‌های موجود جهت دستیابی وجود رابطه میان مصالح مناسب و روند تخریب واحدهای مسکونی نشان دهنده فقدان رابطه مناسب و منطقی میان افزایش مصرف مصالح پر دوام و تحولات روند تخریب در ساختمان‌های مسکونی در دو بخش مجزای شهری و روستایی است. بدین معنی که به‌ویژه در روستاها، علیرغم افزایش سهم مصالح مرغوب، نرخ تخریب همچنان در حال افزایش است؛ حال آنکه اتخاذ سیاست مناسب و هماهنگ با مدیریت روستایی و نیز انجام مقررات و ضوابط با ضمانت اجرایی بالا (همانند مساکنی که در شهرها کنترل و ساخته می‌شوند) از سوی مدیریت روستایی ضرورت انکار نشدنی است.

بازشناسی روند استهلاک و تخریب ساختمان برای اتخاذ سیاست آگاهانه در راستای حفاظت از موجودی واحدهای مسکونی کشور انجام می‌شود (امکچی، ۱۳۷۶: ۱۸۳). در این بازشناسی تخریب به وسیله سوانح طبیعی و روند استهلاک در روستاهای ایران چشمگیرتر است و این مسئله عدم کنترل دولتی و غیردولتی در زمینه مساکن روستایی را به‌روشنی نشان می‌

دهد. نتیجه این که شناخت مدیریت روستایی از طریق عملکردها بیانگر ضعف عمومی است. به طور کلی بررسی روند مدیریت روستایی ایران در دوره پس از انقلاب از جنبه قوانین نشان می دهد که اگرچه تحولاتی در این دوره نسبت به دوره های قبل صورت گرفته، لیکن بررسی عملکردها گویای آن است که بینش صحیح و هدفمند در سیاست ها و برنامه های کلان در مدیریت روستایی برقرار نبوده است.

۱-۲-۲- معرفی سیستم مدیریت مشارکتی:

یکی از عناصر مهم مدیریت، مشارکت است. مشارکت در برنامه ریزی و تصمیم گیری از عناصر اصلی مدیریت و رهبری به شمار می رود و دربرگیرنده تنها اعلام موافقت و گفتن بلی یا خیر نیست، بلکه فرایند مستمری است که دخالت همه افراد، اعضای گروه و جامعه، همچنین لحاظ کردن دیدگاه های اعضا در فرایند برنامه ریزی و تصمیم گیری است (افتخاری، ۱۳۸۹: ۵۹). در این میان، نقش مشارکت های مردمی و به خصوص فقرا برای موفقیت برنامه های توسعه خصوصا در نواحی روستایی توسط محققان بسیاری به عنوان عاملی بسیار مهم در نظر گرفته شده است، به گونه ای که برنامه های توسعه روستایی بدون حضور مردم با شکست روبرو می شوند (Fitzgerald, 2002: 10, Franz, 1986: 86, Bititci, 2000: 135). جهت گیری کلی برنامه چهارم توسعه کشور در ادامه روند برنامه سوم توسعه نیز که در راستای موضوع کوچک کردن دولت و واگذاری فعالیت ها به بخش غیر دولتی و محلی قرار داده شده بود، زمینه مشارکت واقعی مردمی را از طریق وحدت بخشیدن به مدیریت روستایی تقویت کرده است (معاونت پژوهشی و جهاد دانشگاهی واحد تهران، ۱۳۸۷: ۵۳-۵۲، هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۰؛ محمدی، ۱۳۸۹: ۳۸).

۱-۳ نقش شوراهای مدیریت روستایی

نظام شوراهای اسلامی روستا در مدیریت روستایی ایران متأثر از اتخاذ راهبرد مشارکت مردم در روند توسعه است. مشارکت را می توان به طریقی جهت افزایش و توزیع مجدد فرصت های شرکت جستن در تصمیم گیری های اجتماعی و همیاری در توسعه و بهره مندی از ثمرات آن تعریف کرد (اوکلی - مارسدن، ۱۳۷۰: ۴۰). با این وصف لازم است ذکر شود که مشارکت روستائیان نیازمند برنامه ریزی های محلی است؛ بدین معنی که برنامه ریزی های ملی و منطقه ای بیشتر به توسعه شهرها و گاهی مناطق مستعد روستایی می انجامد و از این رو تضمین کننده توسعه روستایی نیست. چگونگی حل مشکل با استفاده از منابع محدود و کمیاب و نیز بهره مندی از دانش بومی از مهم ترین نکات در مشارکت روستائیان شمرده می شود (دیاس، ۱۳۶۸: ۸۷).

در ایران مشارکت روستایی از دیرباز در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خدماتی مطرح بوده است. در امور اجتماعی و فرهنگی، نمونه های مشخصی از همکاری و مشارکت در جامعه روستایی را می توان در واحدهای بهره برداری جمعی و سنت های مشارکتی جستجو کرد. نهادهای مشارکتی مانند بنه، صحرا، حراثه و پاگو از مثال هایی بشمار می روند که قرن ها در جامعه روستایی ایران وجود داشته است. پس از پذیرش دین اسلام به وسیله ایرانیان شکل هایی مانند شوراها، مزارعه،

مضاربه، تعاون، وقف، مشاع شکل گرفته که موجب پدید آمدن واحدهای جمعی و مشارکتی در جامعه گردید (همان منبع). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تصویب اولین لایحه قانونی انتخابات شوراهای به وسیله هیئت دولت در سال ۱۳۵۸ زمینه تشکیل شورای اسلامی روستایی را فراهم ساخت. با سپری شدن مدت قانونی اولین دوره انتخابات شوراهای اسلامی، انتخابات مجدد به دلایل مختلفی انجام نشد و لذا بسیاری از شوراهای روستایی عملاً منحل و گاهی به ندرت و به صورت نیمه فعال به حیات خود ادامه دادند. با این حال، شوراهای روستایی موفقیت قابل توجهی کسب نکردند. در زیر به برخی از دلایل آن اشاره می‌شود:

به‌رغم کوتاه شدن دست مالکین و عوامل خانه‌های انصاف و انجمن ده از روستا، نفوذ غیر مستقیم بسیاری از آنها بر کارکردهای روستایی و گاهی در عملکرد شوراهای اسلامی روستا وجود داشت و لذا نقش مدیریت شورایی کم‌رنگ می‌شد.

- با توجه به اینکه از جنبه‌های اداری و قانونی جایگاه روشنی برای شوراهای اسلامی وجود نداشت، تصمیم‌گیری‌های شورای اسلامی ضمانت اجرایی لازم را نداشته و به همین سبب بسیاری از شوراهای در همان سال‌های اولیه انقلاب و بسیاری دیگر در سال‌های بعد عملاً فاقد کارآمدی لازم بودند.

نفوذ و موازی شدن نهادها و سازمان‌های دیگر که به تدریج در کنار شوراهای اسلامی در روستاها فعال شدند، علاوه بر این که نقش مؤثری در کم‌رنگ شدن شوراهای روستایی داشتند، موجب بی‌اهمیت شدن کارکردهای شوراهای اسلامی روستایی گردیدند. با توجه به این که این نهادها و مؤسسات در عرض شوراهای اسلامی روستا و نه در طول آن عمل می‌کردند، شوراهای نقش مؤثری در مدیریت روستایی و تصمیم‌گیری‌ها نداشتند و در واقع مجری و تسهیل‌کننده خواسته‌ها و برطرف‌کننده نیازهای سازمان‌ها بودند.

نکته حائز اهمیت این که از آنجا که شوراهای روستایی فاقد قدرت اجرایی لازم هستند و نظام حاکم بر الگوی سازمانی ارائه خدمات به روستاها، به صورت بخشی عمل کرده و الگوی متعدد سازمانی در ارائه خدمات به روستاها حاکم است، یعنی هر وزارتخانه رأساً تا پایین‌ترین رده وظایف خود را ارائه می‌دهد، در عمل مشکلاتی جهت پیاده شدن خواسته‌ها و تصمیمات شوراهای اسلامی روستایی به وجود می‌آید.

علاوه بر اینها، ذکر اصول هفتم و یک‌صدم قانون اساسی نیز ضروری است؛ براساس اصل هفتم قانون اساسی شوراهای اعم از مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش و روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند و براساس اصل یک‌صدم قانون اساسی، برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهرستان یا استان با نظارت شورایی بنام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و با تبعیت حکومت مرکزی باشد، قانون معین می‌کند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۷۷: ۹-۶). طبق این اصول، مدیریت روستایی

ایران بر عهده شوراهای است و ضروری است تا کلیه امور به وسیله مردم طراحی، برنامه‌ریزی و اجرا شود. حال آنکه شوراهای اسلامی روستایی فاقد سازمان و تشکیلات مشخص و مدون بوده و بدون بودجه مستقل و مشخص در به‌کارگیری از نیروها و تخصص‌های لازم و فعالیت در امور اقتصادی مانند کشاورزی، صنایع روستایی، در امور سیاسی و اجتماعی مانند نظم و انتظامات در روستا و همکاری با مأمورین سیاسی و امنیتی، در امور عمرانی و بهسازی مانند احداث و اصلاح معابر، اجرای طرح‌های هادی و شبکه برق و آب و... و بالاخره در امور مربوط به دعاوی و حقوقی کارایی چندانی ندارد.

۱-۴ جایگاه مدیریت روستایی در برنامه‌های توسعه کشور

در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور رویکرد تمرکززدایی از وظایف دستگاه‌های دولتی به عنوان یکی از رویکردهایی است که در عرصه جهانی تجربه شده است. اصلاح ساختار و نظام اداری، منطقی کردن حجم و اندازه دولت، تقویت نهادها و سازمان‌های عمومی غیردولتی و در مجموع، واگذاری تصدی‌های اجتماعی و اقتصادی غیر ضروری به نهادهای محلی، راهکارهای عملی و اجرایی رویکرد یادشده است. در تدوین برنامه سوم توسعه کشور، ضمن آگاهی از تمرکز تصدی‌های غیر ضروری در بدنه دولت، در چندین ماده قانونی تلاش گردید تا زمینه واگذاری برخی از وظایف اجرایی دستگاه‌های دولتی به نهادهای عمومی غیردولتی و محلی فراهم گردد.

در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، ماده ۱۳۶ و در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی، بند ۲ ماده ۱۳۷ قانون برنامه سوم به این امر توجه شده و در سایر قوانین نیز پشتوانه‌های مالی تفویض و واگذاری اموری که جنبه محلی دارند از دستگاه‌های دولتی به سازمان‌ها و نهادهای محلی (شهرداری‌ها و دهیاری‌ها) پیش‌بینی شده است. دهیاری‌ها به عنوان سازمان‌های عمومی غیردولتی که اداره امور محلی را با نظارت روستاییان از طریق شوراهای اسلامی روستا به انجام می‌رسانند، در حوزه و عرصه امور عمومی و خدمات عمومی وظیفه مند هستند. در تعاریفی که از امور عمومی صورت می‌گیرد، فعالیت‌هایی چون بهبود نظافت محیط، حفظ و نگهداری و بهره‌برداری از زیرساخت‌ها (آب، برق، گاز و تلفن)، فضای سبز محلی، آتش‌نشانی، امور بهداشتی و آموزشی و فرهنگی و... را شامل می‌شود؛ بنابراین حوزه و دامنه وظایف دهیاری‌ها در آینده علاوه بر آنچه مشخصاً در شرح وظایف آن‌ها آمده است بهبود وضع زیست محیطی، نظافت معابر، لایروبی قنوات و ایجاد و سازماندهی گسال‌خانه و گورستان و... کلیه اموری خواهد بود که مطابق قانون و به تدریج بر عهده این نهاد عمومی گذاشته خواهد شد. بدیهی است شکل‌گیری نهادی رسمی و قانونی برای تثبیت امور عمومی در روستاها برای اولین بار در قالب دهیاری تجلی یافت (اکبری، ۱۳۸۲: ۱). همچنین از آنجا که نظارت و ارزشیابی و نیز تعیین میزان تحقق‌پذیری اهداف از مهم‌ترین مراحل برنامه‌ریزی و اجرا شمرده می‌شود (رضوانی، ۱۳۷۹: ۶۸-۶۶)، ضروری است هماهنگی با توزیع و گسترش دهیاری‌ها در نظام مدیریت روستایی، ابعاد مختلف و جنبه‌های مثبت و منفی نیز دیده شود.

از سوی دیگر، اساسنامه سازمان و تشکیلات دهیاری‌ها در اسفندماه ۱۳۸۰ توسط هیئت وزیران و در جهت اجرای یکی از تبصره‌های ماده واحده قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور (مصوب سال ۱۳۷۷) تصویب گردید. در اولین بخشنامه وزارت کشور مراکز دهستان‌ها، روستاهای دارای طرح هادی و بهسازی، روستاهایی با آمادگی اهالی برای

تهیه ساختمان و تأیید استاندارد واحد اولویت بودند و در بخشنامه دوم، تنها پرداخت خودیاری اهالی روستا و تأیید آن توسط استانداری و ارسال آن شرط صدور مجوز تأسیس بود.

با اعلام شرایط سهل برای صدور مجوز تأسیس دهیاری و اطلاع استان ها از کمک‌های وزارت کشور به دهیاری‌های در چارچوب قانون موسوم به تجمیع عوارض، در کمتر از یک سال و سه ماه، مجوز تأسیس قریب ۱۲۰۰۰ دهیاری از سوی وزارت کشور صادر گردید (جدول شماره ۲-۲).

مطابق با اطلاعات و آمار سرشماری سال ۱۳۷۵ از کل آبادی‌های بالا بیست خانوار، ۱۴ درصد (۴۹۸۵ آبادی) دویست خانوار و بیشتر دارند که این ۱۴ درصد قریب ۵۰ درصد از کل جمعیت روستایی بالای بیست خانوار را تحت پوشش قرار می‌دهند. بر پایه اطلاعات استان ها، بیشترین دهیاری‌های آغاز بکار کرده مربوط به روستاهای دویست خانواری و بیشتر بوده اند و همچنین دهیاری‌ها اغلب در روستاهایی آغاز بکار کرده اند که طرح هادی روستایی به عنوان سند توسعه روستا برای آنها تهیه و اجرا شده است؛ که البته جمعیت اکثر این روستاها نیز بالای دویست خانوار بوده است. با این اوصاف به نظر می‌رسد که لازم باشد تا فرآیند صدور مجوز تأسیس دهیاری موردبررسی و بازنگری مجدد قرار گیرد و با لحاظ شاخص‌هایی چون جمعیت، دسترسی، پتانسیل مالی روستا و خودیاری اهالی، تهیه و اجرای طرح هادی، مراکز دهستان و... مجوز تأسیس صادر گردد و طی چند مرحله و براساس اولویت‌هایی و بادید کارشناسی و علمی به موضوع نگرسته شود تا تجربه تأسیس این سازمان نوپا با موفقیت بیشتری همراه گردد (اکبری، ۱۳۸۲: ۱).

از سوی دیگر شاید قابل توجه ترین بخش برنامه برای کسانی که در زمینه مدیریت روستایی فعالیت می‌کنند، فصل عمران شهری و توسعه و عمران روستایی، به خصوص ماده ۱۳۷ باشد. در این ماده دولت برای توسعه و عمران روستا مؤظف به اقداماتی شده است. قبل از ذکر این اقدامات لازم است ذکر شود که همه مواردی که قبلاً عنوان شد (گرایش برنامه سوم به واگذاری امور به مقامات محلی و نیز حمایت‌ها، کمک‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت به همراه استفاده از مشارکت‌های مردمی) دربندهای مختلف این ماده آمده است (مجموعه قوانین دهیاری‌ها ۱۳۸۲، ص ۱۵۵) در ماده ۱۳۷ دولت به نرخ زیر مکلف شده است:

-وظایف دستگاه‌های دولتی مربوط به روستا را به گونه ای مشخص کند که فعالیت‌های مشابه و موازی انجام ندهد؛
-بخشی از فعالیت‌های دستگاه‌های دولتی را به شوراهای روستا، مدیریت‌های محلی و مؤسسات غیر دولتی واگذار کند؛
-برای خدمات در محیط روستا ضوابط مشخص کند و براساس طرح‌های توسعه، خدمات و فضاهای روستایی را سطح‌بندی کند؛

-از مؤسسات غیر دولتی که اعتبارات خرد فراهم می‌کنند و به روستاییان برای فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تسهیلات می‌دهند، حمایت کند؛

-مناطق روستایی را با جمعیت مناسب و با دادن خدمات به گونه ای ساماندهی کند که فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی، توسعه هماهنگ داشته باشند؛

-با دادن تسهیلات برای اشتغال از سرمایه‌گذاری خصوصی در روستاها حمایت کند؛

-از عشایری که به طور داوطلب ساکن می شوند، حمایت کند.

در ادامه ۱۳۷، وزارت مسکن و شهرسازی موظف شده است تا اصول و ضوابط نامسازی و ایمنی ساختمان در روستاها و شهرها را تعیین و تدوین کند. علاوه بر این، دولت موظف شده است که اعتباراتی را در نظر گیرد تا در پایان برنامه، همه روستاهای بالای بیست خانوار راه، مدرسه، آب بهداشتی، برق و تلفن داشته باشند. در پایان این ماده نیز پیش‌بینی شده است که برای اشتغال در مناطق روستایی، صندوقی به نام صندوق قرض الحسنه توسعه اشتغال روستایی با سرمایه دولت و مردم تأسیس شود. علاوه بر ماده ۱۳۷، در ماده ۱۵۶ برنامه نیز مواردی مربوط به روستا می توان یافت. این ماده برای استفاده از توانمندی‌های شوراهای روستا سه وظیفه را علاوه بر وظایف قبلی قائل شده است:

الف) شوراهای روستا مشکلات فرهنگی، ورزشی و آموزشی را در روستا شناسایی کنند و به مسئولین پیشنهاد دهند؛

ب) در حفظ و نگهداری بناهای فرهنگی، ورزشی و هنری و گلزار شهدای روستا تلاش کنند؛

ج) در حفظ بناها و آثار تاریخی و محوطه‌های تاریخی - فرهنگی همکاری کنند.

برای مطالعه و توجه به تصمیم‌گیری‌های ملی درباره روستا که در برنامه سوم توسعه آمده است، نباید ماده ۱۴۰ را نیز از نظر دور داشت. در این ماده پیش‌بینی شده که برای املاک واقع در بافت مسکونی روستاها سند مالکیت صادر شود و وزارت مسکن و شهرسازی (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) موظف شده تا در طول مدت برنامه سوم برای همه روستاهای بالای دویست خانوار و مراکز دهستان‌ها نقشه تفکیکی وضع موجود روستا را تهیه و به اداره ثبت اسناد و املاک ارسال کند. صورت جلسه‌های تفکیکی مناطق مسکونی روستا باید به امضای نماینده بنیاد مسکن و شورای اسلامی روستا برسد (تشکر، ۱۳۸۲: ۷-۶).

در حالی که صدور مجوز تأسیس دهیاری توسط وزارت کشور وفق اساسنامه تشکیلات و سازمان دهیاری (مصوب هیئت محترم دولت) عملاً از سال ۱۳۸۱ آغاز گردید و بر طبق برآوردهای وزارت امور اقتصادی و دارایی قریب یک هزار میلیارد ریال از محل قانون مذکور در سال ۱۳۸۲ در اختیار دهیاری‌ها قرار گرفت. آیین‌نامه تبصره یک ماده ۶ قانون که در خصوص نحوه توزیع منابع مالی میان دهیاری‌ها و شهرداری‌ها بود، در تاریخ چهارم تیرماه سال ۱۳۸۲ به تصویب رسید و رویکردهای دولت در امر توسعه روستایی و هزینه کرد منابع مالی مربوطه عبارتند از:

- توسعه پایدار روستایی و ایجاد تعادل‌های زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی؛

- دستیابی به نظام مطلوب ارائه خدمات زیربنایی به روستاها.

به منظور تحقق سیاست‌ها و رویکردهای فوق در قالب چهار سرفصل (که عبارتند از: کمک به اجرای طرح‌های توسعه روستایی، ارائه خدمات عمومی و زیربنایی به روستاها، ایجاد زمینه‌های لازم اقتصادی و اجتماعی توسعه پایدار روستایی و کمک به بودجه دهیاری‌ها) نحوه هزینه کرد منابع مشخص گردید (جدول شماره ۲-۲).

جدول ۱-۲ تعداد مجوزهای صادرشده برای دهیاری‌ها در استان‌ها تا شهریور ۱۳۹۸

ردیف	استان	تعداد	ردیف	استان	تعداد	ردیف	استان	تعداد
۱	آذربایجان شرقی	۱۳۲۱	۱۱	زنجان	۱۸۹	۲۱	گلستان	۱۴۲۳
۲	آذربایجان غربی	۸۹۰	۱۲	سمنان	۹۸	۲۲	گیلان	۱۲۴۳
۳	اردبیل	۶۵۷	۱۳	سیستان و بلوچستان	۶۷۹	۲۳	لرستان	۸۷۶
۴	اصفهان	۶۵۶	۱۴	فارس	۹۸۸	۲۴	مازندران	۶۵۶
۵	ایلام	۱۷۰	۱۵	قزوین	۳۲۴	۲۵	مرکزی	۴۵۶
۶	بوشهر	۱۳۴	۱۶	قم	۵۶	۲۶	هرمزگان	۳۴۵
۷	تهران	۱۳۵	۱۷	کردستان	۴۵۳	۲۷	همدان	۶۷۵
۸	چهارمحال و بختیاری	۸۷	۱۸	کرمان	۷۶۳	۲۸	یزد	۴۵۳
۹	خراسان	۲۸۹۰	۱۹	کرمانشاه	۲۳۵۴	۲۹		
۱۰	خوزستان	۵۶۷	۲۰	کهگیلویه و بویراحمد	۲۳۱	۳۰	جمع	۲۴۵۶۴

منبع: (وزارت کشور، ۱۳۹۹)

در تدوین برنامه پنج ساله دهیاری‌ها اهداف زیر از جمله هدف‌های اساسی می‌باشد: برنامه دهیاری‌ها، طرحی است که برای کمک به جوامع روستایی و فعالیت‌های روستایی تهیه می‌شود. این برنامه در چارچوب شرح وظایف دهیاران تهیه می‌گردد و زمینه‌ساز تشویق روستائیان برای همکاری با دهیاران در جهت عمران و آبادی روستا خواهد بود. این برنامه یک فرآیند منظم است که به ساکنان مناطق روستایی امکان می‌دهد تا از طریق کمک به دهیاران به شناسایی و حل مشکلات روستایی خود بپردازند و زمینه‌ساز ساماندهی و عملی نمودن از طریق همیاری مردم روستا شود؛ به طوری که گروه‌ها و فعالیت‌های مختلف در مناطق روستایی را هماهنگ و مرتبط سازد. به منظور هماهنگی در اجرای برنامه‌ها و همکاری با سایر ارگان‌های اجرایی، برنامه پنج ساله دهیاری پس از تصویب توسط شورای اسلامی روستا توسط فرمانداری و حسب مورد و با تشخیص فرماندار و با دعوت از نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مورد تأیید قرار می‌گیرد (سازمان شهرداری‌های کشور، ۱۳۸۲: ۷۹-۷۸). یکی از مهم‌ترین موارد که دهیاران در تدوین برنامه پنج ساله می‌بایست به آن توجه داشته باشند، شناخت وضعیت موجود روستا می‌باشد که این شناخت به طور ساده می‌تواند از طریق زیر حاصل شود: داشتن یک دید کلی نسبت به محیط روستا؛ به عبارت دیگر یک دهیار باید بداند جاده‌ها، کانال‌های آبیاری، مدرسه، درمانگاه، بازار، زمین‌های کشاورزی و سایر فعالیت‌ها در کجای روستا واقع گردیده و مشخصه‌ها و ویژگی‌های آن‌ها را از لحاظ عمران و آبادی مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. شناخت ویژگی‌های اجتماعی روستا که شامل تعداد جمعیت روستا، تفکیک سنی و جنسی، مهاجرت افراد روستایی و موضوعاتی از این قبیل را شامل می‌گردد. دهیار می‌تواند با کمک اطلاعات طرح هادی روستایی و طرح‌های مشابه، اطلاعات مورد نظر را جمع‌آوری و طبقه‌بندی نماید.

جمع‌بندی

مدیریت روستایی فرایند سازماندهی، هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن سازمان‌ها و نهادها است. این سازمان‌ها و نهادها در واقع وسایل تأمین هدف‌های جامعه روستایی می‌باشند؛ بنابراین ضرورت ایجاد می‌کند که در روستاها به وضعیت مدیریت امور عمومی روستا توجه ویژه ای شود و این مسأله ممکن نیست مگر این که نهاد محلی خاصی طراحی و متولی آن گردد تا با مشارکت روستاییان بتوان به این منظور دست یافت. مدیریت روستایی در نظام اداری ایران تحت وزارت کشور، اداره کل روستایی و توسعه آن تحت نظارت وزیر کشور انجام می‌شود. این اداره کل مسئول تعیین و اجرای سیاست‌ها و استراتژی‌های روستایی و توسعه روستاها در سراسر کشور است.

با توجه به اینکه روستاها به عنوان قطب تأمین غذا و مواد اولیه در توسعه کشور دارای اهمیت بسیار زیادی هستند، مدیریت روستایی باعث توسعه اقتصادی و اجتماعی است که به دولت و جامعه کمک می‌کند. قبل از انقلاب اسلامی، مدیریت روستایی در ایران به صورت مرکزی‌ترین و تمرکز برشماری ارزشیابی شده است. در این دوران، بسیاری از فعالیت‌های مرتبط با تصمیم‌گیری‌های مربوط به مدیریت روستایی از سطح مرکزی اداره می‌شدند و مسئولان محلی و توسعه دهندگان، قدرت فعال در شکل‌گیری سیاست‌گذاری را نداشتند. با انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷، حکومت اسلامی تلاش کرد تا مدیریت روستایی را تبدیل به یکی از اولویت‌های اصلی خود کند و سیاست‌هایی برای توسعه روستا و افزایش شرکت مردم در مدیریت روستا اجرا شد. در این راستا موضوع کوچک کردن دولت و واگذاری فعالیت‌ها به بخش غیر دولتی و محلی قرار داده شده بود، زمینه مشارکت واقعی مردمی را از طریق وحدت بخشیدن به مدیریت روستایی تقویت کرده است. همچنین شوراهای اسلامی روستا، به عنوان نهادی بنیادین در ساختار حکمرانی روستایی، نقش مهمی در مدیریت روستا و رهبری اجتماعی مردم دارند. این شوراها با تلفیق مسئولیت‌پذیری محلی و تجربیات مردمی، به دنبال جلب رضایت عمومی، هماهنگی برای توسعه کیفیت زندگی روستاییان و به کارگیری مطلوب و مشارکتی جامعه، اقداماتی برای مدیریت و توسعه روستاها انجام می‌دهند. از جمله اقدامات شوراهای اسلامی روستا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: طرح و پیگیری برنامه‌های اجرایی برای توسعه روستا، نظیر طرح سکونتگاه، تأمین امنیت، آب و برق و غیره؛ توجه به نیازهای اجتماعی، فرهنگی و مهارتی مردم روستا و ارائه خدمات موردنیاز آنها؛ حفظ و نگهداری منابع طبیعی و حفاظت از محیط‌زیست روستا؛ تسهیل در تحقق تعاملات میان مردم و نهادهای مربوط به دولت؛ تشویق به ایجاد شغل و درآمد برای مردم روستا و امکانات موردنیاز برای رشد اقتصادی و توسعه روستایی در کل، شوراهای اسلامی روستا از طریق مشارکت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری، تلاش می‌کنند تا بهبود اقتصادی و اجتماعی روستاها را از طریق پیشرفتی جامعه محور به واقعیت تبدیل کنند. در خاتمه بیاید گفت برنامه‌های توسعه نیز توجه ویژه به این موضوع داشته اند مثلاً برنامه‌های توسعه سوم تا ششم ایران در زمینه مدیریت روستایی از طریق انجام پروژه‌ها و برنامه‌های مختلف سعی در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستاها داشته است. برخی از اقدامات انجام‌شده عبارتند از: ۱- احداث مسکن روستایی و تأمین آب، برق و گاز برای روستاها ۲- توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و حمل‌ونقل در روستاها، از جمله بهبود و ساخت جاده‌های روستایی و ارتقای راه‌ها و پل‌های روستایی ۳- پشتیبانی از کسب‌وکارهای کوچک در روستاها و ارائه خدمات توسعه و حمایت

مالی به کسب و کارهای روستایی ۴- توسعه فناوری در زمینه کشاورزی و دامداری و برگزاری دوره‌های آموزشی و کنفرانس‌ها برای بهبود مهارت‌های کشاورزان روستایی ۵- توسعه بهداشت و درمان در روستاها و ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به جامعه روستایی ۶- توسعه آموزش و پرورش در روستاها و ساخت و به راه‌اندازی مدارس، ایجاد کتابخانه‌ها و برگزاری دوره‌های آموزشی برای کودکان و جوانان روستایی. همه این اقدامات باهدف بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه روستایی انجام شده‌اند.

منابع

- افتخاری، عبدالرضا؛ سجاسی قیداری، حمدالله؛ عینالی، جمشید (۱۳۸۹). نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار. فصلنامه علمی و پژوهشی روستا و توسعه، سال دهم، ش ۲ (تابستان): ۱-۳۸.
- اکبری، غضنفر (۱۳۸۲)، ماهنامه دهیاری‌ها شماره ۲، تهران، وزارت کشور، دفتر اموردهیاری‌ها.
- امکچی، حمیده (۱۳۷۶)، مقاله روند ساخت‌وساز، استهلاک و تخریب در ساختمان‌های مسکونی کشور - شهری و روستایی، در مجموعه مقالات ابعاد اقتصادی مسکن: یافته‌های چند بررسی در زمینه مسکن، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.
- اوکلی، پیتر و دیوید مارسدن (۱۳۷۰)، رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه منصور محمود نژاد، تهران، وزارت جهاد سازندگی.
- ایمانی جاجرمی، حسین و مجید عبداللهی (پاییز ۱۳۸۸): «بررسی تحولات مدیریت روستایی در ایران از مشروطیت تا زمان حاضر»، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۲، تهران، صص ۲۴۴-۲۲۱.
- آزادی، مریم (۱۳۹۶). مدیریت روستایی با تأکید بر نقش دهیاری‌ها. پایان نامه ارشد، دانشگاه پیام نور.
- آسایش، حسین (۱۳۷۹)، برنامه‌ریزی روستایی در ایران، تهران، پیام نور.
- جهانگیری، جهانگیر؛ میر فردی، اصغر (۱۳۸۲)، سیاست‌ها و مدیریت برنامه‌های رشد و توسعه در ایران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی
- دربان آستانه، علیرضا. (۱۳۸۴). جایگاه مدیریت روستایی در برنامه چهارم، مجله دهیاری، شماره ۱۵
- رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۳، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، چاپ دوم، تهران نشر قومس.
- رضوی، سید حسن (۱۳۷۹)، مقاله بررسی اثرات فعالیت‌های جهاد سازندگی در توسعه زیرساخت‌های روستایی، در مجموعه مقالات نقش جهاد سازندگی در بخش کشاورزی و توسعه روستایی، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی
- سازمان شهرداری‌های کشور، دی‌ماه (۱۳۸۲)، مجموعه قوانین، مصوبات و بخشنامه‌های مرتبط با دهیاری‌ها، تهران، معاونت دهیاری‌ها.
- سعیدی، عباس (۱۳۸۷). برخی الزامات ده گردانی در پرتو مشارکت روستایی. ماهنامه دهیاری‌ها، سال دوم، ش ۹ (شهریورماه): ۱۰-۱۶.
- طالب، مهدی. (۱۳۷۶). مدیریت روستایی در ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- قانون تقسیمات کشوری و وظائف فرمانداران و بخشداران (۱۳۱۶). تهران، وزارت کشور.
- کدخدایی، رضا (۱۳۹۰). جایگاه نقش مشارکت مردم در مدیریت روستایی، مجله حقوقی، دوره ۳.

کرمی نسب، صدیقه (۱۳۹۱): بررسی و ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه کالبدی- فضایی سکونتگاه‌های روستایی مطالعه موردی: بخش کردیان شهرستان جهرم، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران.

مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۲)، برنامه‌ریزی روستایی با تاکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

مهدوی، مسعود (۱۳۷۸)، جغرافیای روستایی ایران، تهران، دانشگاه پیام نور.

هاشمی، سید سعید. (۱۳۹۰). تبیین نقش نهادهای محلی در توسعه کارآفرینی روستایی: مطالعه موردی: بها باد استان یزد، رساله دکتری دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

Bititci, U.S. Turner, t. and Begemann, c, 2000, Dynamics of Performance Measurement systems, International Journal of operation & Production Mangement, vol.20.

Fitzgerald, B. Russo, N. L. & Stolterman, E. (2002). Information systems development: Methods in action. London: McGraw-Hill.

Franz, C. R. & Robey, D., (1986). Organizational context, user involvement, and the usefulness of information systems. Decision Sciences, 17(3), 329–356.